

اندیشه های مهاتما گاندی درباره دین اسلام

دکتر محمود سید

استادیار گروه تاریخ، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Email: mahmood.seyyed@yahoo.com

مجید گل محمدی

دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

مهاتما گاندی یکی از بزرگ ترین شخصیت های اندیشمند و متفکر جهان اسلام است، افکار گاندی این رهبر فرهنگ را بر آن داشت تا نقش بزرگی را در بیداری دینی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی هندوان ایفا کند. در بینش وی دین جایگاه اساسی داشت و تأثیر اندیشه های دینی ابعادی را از حیث جنبش های دینی نزد ادیان و مذاهب و آیین های مختلف ایجاد کرد و منجر به یک استراتژی استقلال طلبانه در هندوستان گردید. دین در نگاه گاندی بیشتر در عرصه عمل و تجربه قابل فهم بود و از همین رو آدمی می بایست باعمل به آموزه های دینی و اخلاقی از سطح دین عبور کرده و به ژرفای آن دست یابد. در این مقاله سعی شده ضمن اشاره به نقش دین اسلام در اندیشه گاندی، برداشت ها و نقطه نظر او در حوزه دین اسلام بیان گردد، همچنین برخی ابعاد مهم در حیطه دین، دین داری، اصول و مبانی آن ها نیز مورد بررسی قرار می گیرد.

واژگان کلیدی: دین اسلام، خدا، گاندی، اندیشه

افکار مهاتما گاندی در باب دین، باورها و عقاید مذهبی سبب شد که در نیمه اول قرن بیستم نقش عظیمی را در بیداری دینی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی هندوان ایفا نمود، گاندی به شدت تحت تأثیر انگیزه های دینی، اخلاقی و عرفانی قرار داشت و به همین سبب نیز از سوی جامعه هندو به «مهاتما» یعنی روح بزرگ که عنوانی دینی و عرفانی محسوب می شد، ملقب گشت (سرگل زایی، ۱۳۹۰). تحولات بعدی زندگی اش، به ویژه اقامتش در آفریقای جنوبی، او را به سوی دین داری و دین مداری سوق داد. وی تا قبل از آنکه توجه جدی به دین مبذول دارد، مردی اخلاقی بود، اما از آن هنگام که مطالعات دینی و گفتگوهایش با دین داران مسیحی، مسلمان، هندو و زرتشتی را افزایش داد، به تجربه های جدیدی از دین دست یافت که در طول مهروموم های طولانی عمر گاندی درکی عمیق از دین به او بخشید و شخصیت او را تحت تأثیر جدی قرارداد (سرگل زایی، ۱۳۹۰) با گسترش و ظهور اسلام در گستره وسیعی از آسیا، این تحولات مدیون زمینه ها و عوامل مختلف و متفاوتی بوده است، اقشار دانشمندان، علما و صوفیان هرکدام به نوعی در نشر اسلام ایفای نقش نموده اند. مطالعات تطبیقی گاندی در ادیان موجب گشت تا باروح ادیان مسیحی، اسلام، زرتشتی و بودائی آشنا شود و پس از مشورت با عالمان دینی هندوئی، از جمله رأی اکثریت بر آن شد که دین هندوئی را به عنوان دین رسمی خود بپذیرد و دستورات آن را به مرحله عمل درآورد. جستجوهای دینی گاندی در انگلستان وارد مرحله جدیدی شد، چند سالی گذشت تا تلاوت این متون عرفانی بخشی از کار روزانه او گردد. در لندن به توصیه برخی دوستان مسیحی اش به مطالعه کتاب مقدس پرداخت. در همین ایام، درباره زندگی پیامبر اسلام نیز به مطالعه پرداخت و تحت تأثیر جاذبه های شخصیت او قرار گرفت. این مرحله از جستجوهای دینی گاندی بعدها در آفریقای جنوبی به کمال خود رسید. برخوردهای وی با مسیحیان و مسلمانان او را بر آن داشت تا تحقیقات گسترده تری در مورد دین برتر داشته باشد. و بتواند اندیشه خود را فراتر از آنچه در پیرامون خود برداشت کرده بود گسترش دهد، در این هنگام، وی بر آن بود تا دینی را که به شکلی جامع تر افراد را به سوی حقیقت رهنمون می کند، بشناسد. از این روی گرایش شدیدی به دین مسیحیت و اسلام داشت (کاشی، ۱۳۸۷). مطالعه آثار تولستوی نیز بر وی تأثیر فراوان نهاد. با توصیه استادش، تردیدهایش در پذیرش دین هندوئی را به یک سو نهاد و آماده قبول دستورات دینی آن گشت و به کار بستن اصول و مبانی آن را در زندگی خویش آغاز نمود. اما پذیرش رسمی دین هندوئی موجب آن نگشت که نسبت به تعالیم ادیان دیگر بی تفاوت باشد. وی در کنار

تلاوت بهگودگیتا، اوپنیشادها و راماینه به تلاوت قرآن، انجیل و اوستامی پرداخت و از الهامات آن سرشار می گشت (سرگل زایی، ۱۳۹۰)

چارچوب نظری

گرایش ملل مختلف به دین اسلام و گسترش اسلام در سرزمین های وسیعی از جهان، تعامل و تقابل فکری و فرهنگی مؤثر و کارساز در میان دانشمندان، صوفیان، تجار، بازرگانان ایجاد کرد. شبه قاره هند و کشورهای هم جوار آن، از جمله ایران از زمان های بسیار دور با یکدیگر دارای مناسبات فرهنگی و تمدنی بوده و با بسیاری از دست آورد های علمی هند آشنایی داشته اند، ایرانیان چه قبل از اسلام و چه پس از آن به علل گوناگون به هند مهاجرت کرده اند. به علت همسایگی ایران و هند، بسیاری از دست آوردهای علمی و فرهنگی به سرعت بین ایران و هند مبادله گردید، پس از ورود اسلام به ایران، این کشور پل ارتباطی بین شبه قاره هند و دیگر مناطق و مراکز اسلامی گردید. با ورود و استقرار مسلمانان در هند، این منطقه با دمشق، بغداد و دیگر مراکز سیاسی و علمی آن روز دنیای اسلام، ارتباط برقرار کرد، بدین صورت دنیای اسلام در این منطقه رشد و نمو پیدا کرد. در دوره عباسیان مبادلات علمی و فرهنگی به حدی رسید که بسیاری از کتب و آثار علمی هند به عربی ترجمه شد و راهی باز شد تا دانشمندان هند و علمای مسلمان به مباحثه، مناظره های مذهبی و علمی بپردازند، دانشمندانی از هندوستان چون ابن ندیم، باکهر، راحه، گاندی در حول یک محور (دینی، مذهبی)، آموزه ها، ایده ها و شعارها باگفتمان های مشترکی که ایجاد یک احساس همبستگی و هویت می کردند، باهم به تعامل پرداختند و با بهره گیری از تجمع مسلمانان اندیشه نوینی شکل گرفت، این امر یکی از مهم ترین عوامل شکل گیری فرهنگی جدیدی بود که فرهنگ هندی - اسلامی نامیده شد. (یاری، ۱۳۸۸)

اما نکته قابل تأمل در اینجا این است که آیا جامعه هند توانست از این فرهنگ به خوبی استقبال کند؟

مسلمانان با حفظ موجودیت، هویت و برخورد منصفانه خود باعث نفوذ هر چه بیشتر اسلام در هند شدند، در آستانه ورود اسلام به این شبه قاره اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هند به گونه ای بود که زمینه مناسبی برای فعالیت های مسلمانان فراهم گردید، در هند ادیان مختلفی وجود داشت که مهم ترین آن ها ادیان بودا، هندو و جین بودند. در نزهه المشتاق الدریسی آمده است: اهل هند دارای چهل ونه مذهب هستند که برخی خدا و رسولانش را قبول داشته، برخی خدا را قبول داشته، ولی پیامبران را قبول ندارند و برخی نیز هیچ کدام را قبول ندارند (آرنولد، ۱۳۵۸)

با این حال ساکنان شبه قاره برای پیروان سایر ادیان و عقاید و باورهایشان ارزش و احترام قائل بوده، هیچ مزاحمتی برای آنان فراهم نمی کردند. از طرف دیگر قدرت متمرکز و واحدی در هند وجود نداشت و اختلافات سیاسی راجه های مختلف زمینه را برای نفوذ و بهره برداری مسلمانان فراهم ساخته بود. رقابت های مذهبی بوداییان و هندوها، بخصوص در غرب هند و نظام طبقاتی که باعث نارضایتی برخی طبقات بخصوص طبقات پایین جامعه شده بود باعث ایجاد مشکلات برای جامعه هند و بحران سیاسی و اجتماعی گردیده بود (آریا، ۱۳۷۹).

افکار مردم مشوش و مضطرب بود و آمادگی پذیرش هر فکر تازه ای را داشت. در این شرایط اسلام دینی نو با ادعیه جهانی، شعار آزادی، برابری و عدالت، می توانست جایگزینی مناسب برای ادیان قدیمی شبه قاره باشد. همین شعارها و جاذبه های معنوی اسلام بود که موجب گسترش اسلام و پذیرش آن گردید. تا آنجا که حاکم مالابار دین اسلام را پذیرفت. و باعث شد اسلام و حقایق آن توسط این حاکم به بسیاری از شهرهای هند معرفی گردد. رهبران هندی در این میان به کسب شناخت نظری حقیقت و چه بسا غایت اصلی آن یعنی شهود حقیقت بودند که با حکمت عملی همراه است. هدف اصلی آنان وصول رستگاری انسان (موکشا) و هدف آیین بودا نیز رسیدن به مقام (نیروانا) است. رهبران برای رسیدن به حقیقت و باور دینی و کسب شهود حقیقت برای نیل به مقصد نهایی شیوه های فکری گوناگونی را به کار گرفتند، متفکران و اندیشمندان هند با اقدامات مهمی را در راستای گسترش درک روحانی و معنوی و همچنین معرفی آیین هندو در سطح جهان انجام داده اند.

متفکران برجسته ای مانند ویویکاناندا، اوروبیندو، تاگور و راداکریشنان نیز از این دسته رهبران بودند (باقرشاهی، ۱۳۹۰).

موکشا در آیین بودا به معنای نجات، آزادی و رستگاری و رسیدن به ساحل نجات است. نیروانا اصطلاحی است که در آیین بودا مطرح است و به معنای مقام سرور و شادی و خاموشی است.

ضرورت نیایش و دین

۱. MOKSHA . موکشا در آیین بودا به معنای نجات، آزادی و رستگاری و رسیدن به ساحل نجات است

۲. NIRVAVA نیروانا اصطلاحی است که در آیین بودا مطرح است و به معنای مقام سرور و شادی و خاموشی است.

دین از ضرورت های زندگی است، در دین عنصر اجتناب ناپذیری وجود دارد که نمی توان آن را نادیده گرفت؛ از این رو، تلاش برای کنار گذاشتن دین از زندگی منجر به ظهور دین جدیدی می شود. این نیز یکی از دلایل بر وجود ضرورت دین است. بقای دین و حضور فعلی و پویای آن در جوامع بشری می تواند دلیل دیگری بر ماهیت ضروری دین باشد. در دین عنصری مافوق طبیعی وجود دارد که از آن بانام خدا، وجود مطلق، اصول اخلاق جهانی، آرمان انسانی و یا نوعی قانون مافوق طبیعی یاد می شود. این عنصر موضوع اصلی آرمان های دین است و می توان گفت آن مقوم اصلی دین است. این عنصر هم فراتر از حس بشری و هم فراتر از عقل بشری است (سرگل زایی، ۱۳۹۰)

نقش دین در اندیشه هندی همواره مهم بوده است. انفصالی که در غرب میان دین و دانش های دیگر بشری ایجاد شد هرگز در هند تحقق پیدا نکرد. حتی امروزه نیز نقش دین را می توان در عرصه های مختلف مشاهده کرد و گرایش ها و تعلقات دینی در آثار متفکران معاصر هندی مشهود است. (لعل نهرو، ۱۳۹۲)

گانندی نیایش را روح و اساس دین می دانست و معتقد بود که نیایش باید محور زندگی انسان باشد. از نظر او کسی که با غرور اعلام می کند که از دین بی نیاز است، مانند کسی است که بگوید بدون نیاز به بینی می تواند تنفس کند. وی بر آن باور بود این که خدا را با چه نامی نیایش کنیم چندان اهمیتی ندارد، بلکه مهم روح نیایش است که در هممادیان یکی است. تجربه های عملی گانندی در طول حیات طولانی و مراقبه و نیایش او گاهی منجر به این می شد که لمحات و لحظاتی از دیدار حقیقت را دریابد و تمام تلاش گانندی از جوانی تا لحظه مرگ در پی دستیابی به این شهود مصروف گشت (کیا، ۱۳۷۲)

او عقیده داشت که خداوند خود را در صورت بی شماری در هستی آشکار می سازد و این تجلی و ظهور الهی تکریم او را برمی انگیزد. دین قانون نظام مندی دارد که شخص را با خالق خویش پیوند می دهد. از نظر گانندی وصول به حقیقت و درک الوهیت هنگامی قابل تحقق است که شخص حاضر باشد آگاهانه و آزادانه عقائد و مناسک دینی را در جهان بیرونی و درونی خویش بیازماید و نتایج آن را نقادی کند. یکی دیگر از متفکران معاصر هند به نام ویویکاناندا معتقد است دین نوعی بیداری معنوی در انسان و همچنین نوعی درک الوهیت است بدین معنی که انسان متوجه محدودیت ادراک های حسی و عقلی خود شده و در تلاش برای فراتر رفتن از آن به عناصر مافوق طبیعی متوسل می شود که این همان دین است. از نظر ویویکاناندا ویژگی دیگر دین این

است که مبنای اخلاق است، دین تأمین کننده آن آرمانی است که اخلاق بر آن استوار است، او نتیجه می گیرد دین فقط ارزش فردی ندارد بلکه ارزش عام دارد و می تواند یک مبنای کلی برای اخلاق باشد. دین از نظر او پاک ترین و مهم ترین تلاش انسان و قوی ترین نیروی محرک ذهن انسان است، زیرا از طریق آن انسان می کوشد فراتر از عالم حس و عقل رفته و در جستجوی نامتناهی باشد؛ و حاصل چنین تلاشی چیزی نیست جز کسب نوعی آرامش درونی و رضایت خاطر (باقرشاهی، ۱۳۹۰)

ویویکاناندا در آثار خود به دین از نظر محتوایی پرداخته و معتقد است دین دارای سه جنبه است: جنبه فلسفی، جنبه اسطوره ای و جنبه عبادی. جنبه فلسفی معرف کل قلمرو دین است و اصول، هدف و راه های رسیدن به آن را مورد تبیین قرار می دهد. جنبه اسطوره ای دین شامل اسطوره ها و افسانه های دین است که با مضامین اخلاقی و معنوی همراه است. وی معتقد است اسطوره ها تجسم عینی جنبه فلسفی یک دین است. جنبه عبادی نیز شامل آداب و رسوم و مراسم عبادی یک دین است، که موجب ارتباط مستمر (انسان با دین می شود) همان (۱۳۹۰)

اندیشه اسلامی در نگاه گاندی

راه های فراوان معرفت خدا و خداشناسی در کنار سایر راه ها ارزش والایی دارند و عقاید و اعمال دینی را در مکاتب مختلف پرشمار می سازد. اکثر این مکاتب میان حقیقت یا هستی محض تمایزی قائل نبودند و خدا را عین هستی محض می دانستند. بیشتر رهبران این مکاتب با علم به خداشناسی از یگانه انگاری به یگانه پرستی گرایش پیدا کردند و خدا را حقیقتی یافتند که واحد است و همچنین فراتر از زمان، مکان، علیت و تغییر است. دین در نگاه مهاتما گاندی باورهایی از عقاید است که شخص را با خالق خویش پیوند می دهد. از نظر او وصول به حقیقت و درک الوهیت هنگامی قابل تحقق است که شخص حاضر باشد آگاهانه و آزادانه عقائد و مناسک دینی را در جهان بیرونی و درونی خویش بیازماید و نتایج آن را نقادی کند (کیا، ۱۳۷۲)

گاندی اساساً مرد دین و در ژرفنای وجودش هندو بود. در عین حال تصور او از دین به هیچ وجه با عقائد جزمی و آئین های معمول هندوئی ارتباطی نداشت. دین او اساساً با ایمان استوارش به قانون اخلاقی پیوند داشت که او آن را قانون حقیقت یا محبت می نامید. تصور مهاتما گاندی از خدا، از یک سو متأثر از جریان های دینی ای که وی در طول زندگی به مطالعه آن ها پرداخت و از سوی دیگر ناشی از تجربه های شخصی او از خدا بوده است. از نظر اعتقادی، گاندی به خدای

واحد ایمان داشت و چندگانه پرستی و بت پرستی موجود در صورت های گوناگون پرستش هندوئی را به یکتا پرستی تحویل می نمود (سرگل زایی. ۱۳۹۰)

گاندی با مطالعات تطبیقی در ادیان سبب شد تا با روح دین اسلام و مسیح آشنا شود، از آنجاکه که دین هندوئی را به عنوان دین رسمی خود پذیرفت اما با جستجوهای دینی اش باور عمیقی نسبت به دین اسلام پیدا کرد این گونه که به مطالعه و کاوش در زندگی پیامبر اسلام پرداخت و بسیار روح خود را تحت تأثیر شخصیت بزرگوار پیامبرگرمی اسلام قرارداد در این هنگام، وی بر آن بود تا دینی را که به شکلی جامع تر به سوی حقیقت رهنمون شود، بپذیرد. از این روی بود که شدت تأثیرات وی از این تحقیقات موجب شد تا برخی دوستان مسیحی و مسلمانش او را به مسیحیت و اسلام دعوت کنند. وی در کنار تعالیم دین هندو به تلاوت قرآن هم می پرداخت و سعی می کرد که از الهامات این کتاب مقدس بهره گیرد. در پی زهد و ریاضت هایی که می کشید و اصولی که از این کتاب مقدس برداشت کرده بود در طی نامه ای به برادرش اعلام نمود که دیگر هیچ تعلق به مادیات ندارد و می کوشد اموال خود را در راه خدا صرف کند. در سال ۲۰۰۳ ق تصمیم گرفت برای همدلی با فقیرترین انسان ها، لباس های معمول خویش را برای همیشه به کناری نهد و تا پایان عمر همچون فقیری نیمه عریان زندگی کند. او با برقراری سوگندهای شش گانه راستی، عدم خشونت، تجرد، دزدی نکردن، کنترل ذائقه و عدم مالکیت و رعایت بسیار دقیق و شدید آن ها سعی در پرورش جامعه نمونه کوچکی بر پایه زهد و ریاضت داشت و بر آن باور بود که نتیجه منطقی رعایت این سوگندها، خودکفائی و بی باکی است. با شناختش از دین اسلام گاندی اولین بار روزه را به عنوان وسیله ای برای تهذیب نفس در آفریقای جنوبی به کاربرد و در پی مطالعات دینی اش بارها برای تسلط بر قوای نفسانی روزه گرفت. (کیا، ۱۳۷۲)

از نظر اعتقادی، گاندی به خدای واحد و وحدت مطلق خدا ایمان داشت و چندگانه پرستی و بت پرستی موجود در صورت های گوناگون پرستش هندوئی را به یکتا پرستی تحویل می نمود. گاندی باینکه دیدگاه هایش در مورد خدا و عالم الوهیت متأثر از مکتب های جایی و رامانوجه است، این گونه نوشته است: حقیقات آن است که از آنجاکه همه ما می کوشیم چیزهای غیرقابل تصور را تصور کنیم، امور غیرقابل شرح را شرح دهیم و چیزهای ناشناختنی را بشناسیم، اغلب سخنان ما لرزان و ناشایست و توأم با تناقض است. به همین سبب وادها برهمن را "نه این و نه آن" معرفی می کنند و این بدان معناست که اگر ما وجود داریم و پدران و نیاکان ما وجود داشته اند، پس منشأ همه مخلوقات هم وجود دارد و اگر او نیست ما هم نیستیم. به همین دلیل

است که ما با یک صدا، خدای واحد را به نام‌های متفاوت پرم آتمن، ایشوره، شیوه، ویشنو، رامه، الله، اهورامزدا، یهوه و خدا می خوانیم. اندیشه گاندی در مورد اسلام و دین خداپرستی بدین صورت بود که ایمان به خداوند را یک ایمان صرفاً عقلانی نمی دانست؛ و نیروی ایمان را موجب بیداری و آگاهی باطنی می دانست. عبارت حقیقت خداست را جامع تر از خدا حقیقت است " شمرد، در این صورت ملحدان نیز که به شیوه خود به دنبال حقیقت می گردند، در (زمره جویندگان حقیقت قرار می گیرند) (سرگل زایی، ۱۳۹۰)

وی با مقایسه مفهوم کلمه « لا اله الا الله » در اسلام، با آنچه در فلسفه هندوئی در مورد برهمن به عنوان وجود مطرح شده است چنین نتیجه گرفت که تنها خدا وجود دارد. وحدت ادیان از مهم ترین وجوه اندیشه دینی گاندی او را بر آن داشت تا با پیروان ادیان دیگر همچون مسلمانان، مسیحیان، زرتشتیان و جاینی ها، برخورد و تعامل مستقیم داشته باشد. وی در زندگینامه خود از معاشرت ایشان با پدرش و مدارای دینی وی با آن هاسخن به میان آورده و گفته است که او این فرصت را داشت که در گفتگوهای ایشان حضور داشته باشد و نسبت به ایمان های دیگر به نوعی مدارا دست یابد؛ و نوعی الهام پذیری رفتاری از پیروان اسلام، هندوئی و دیگر ادیان کسب نماید. نفوذ دین اسلام در میان هندوها و استقرار مسلمانان در مناطقی از هند بر زبان و دین، آداب و رسوم و بخصوص نحوه پوشش هندی ها تأثیر گذاشت. (آریا، ۱۳۷۹)

درحالی که قبل از شناخت دین اسلام هندی ها لباس دوخته نمی پوشیدند. در دوره اسلامی این نوع لباس ها رواج پیدا کرد و موجب ایجاد یک حقوقی خاص برای مسلمانان و کسانی که از این نوع لباس ها می پوشیدند، گردید. گاندی از این نفوذ فرهنگ اسلامی تأثیر فراوانی گرفت، زندگی ساده یک ده نشین و پیشه ور را برگزید، در نوع پوشش و برخی آداب و رسوم، حتی سبک خانه اش هم تأثیر گذاشت. گاندی معتقد بود که اسلام جامعه هند را که در آن نظام کاستی و برتری طبقات خاص نبود، دوباره احیا کرد و بدین ترتیب باعث جنبش های اصلاح گرایانه ای شد که هدف آن احیای سیمای فرهنگی و تمدنی جامعه هند بود. گاندی در زندگی عملی خود پای بند نظریه وحدت ادیان بود. عبادت صبحگاهی و شامگاهی وی، چنانکه گذشت، ترکیبی از نیایش های هندو، اسلامی، مسیحی، زرتشتی و بودائی بود. وی یک بار در پاسخ به سؤال خبرنگاری که از او پرسیده بود آیا او یک مسیحی است؟ گفت ((درعین حال که هندوست، یک مسیحی، یک مسلمان و یهودی نیز هست (کیا، ۱۳۷۲)

یکی از مهم ترین نقشه های گاندی در هند اصلاحگری او در معتقدات دینی و اجتماعی هندوان بود. با استفاده از آموزه های دینی اسلامی به رواج اندیشه های آزادی خواهانه و عدالت جویانه پرداخت. از این نظر گاندی را می توان ادامه دهنده جریان اصلاح دینی واجتماعی دانست که در اوایل قرن نوزدهم در هند پدید آمد. این جریان اصلاحی که در اثر برخورد اندیشه های دینی مسیحی و اسلامی با اندیشه دینی هندوئی از یک سو و ورود افکار مدرن غربی به هند از سوی دیگر پدید آمد، سعی داشت عقائد و اندیشه های غیرعقلانی و خرافی هندوئی و تبیض های نژادی را که آثار سوء دینی، اخلاقی و اجتماعی داشت، از ساحت دین هندوئی بزداید. مهمترین جریان اصلاح دینی مذکور، نهضت براهموسماج به رهبری رام موهن روی ۳ بود. وی نه تنها به اصلاح دینی نظر داشت، بلکه به اصلاح جامعه هندو نیز می اندیشید. رام موهن روی که تحت تأثیر اندیشه های اسلامی و مسیحی بود، با چندگانه پرستی، اساطیر و بت پرستی رایج در دین هندوئی به مخالفت برخاست و بر آن بود که تنها برهمن به عنوان خدا باید به صورتی خاص پرستش شود (baron, 1940)

اسلام در تفکر رهبران هندو فکر تازه برابری نظام های کهن را به وجود آورد، با ورود اسلام به هند ایجاد یک تفاهم و دوستی بین هندوها و مسلمانان شد مناظره های مذهبی بین آن ها رواج پیدا کرد، نخستین ترجمه قرآن به زبان هندی در دوره حکومت بنی هبار در هند صورت گرفت. گاندی در جریان گسترش اسلام به هند به این باور رسید که مردم هند که از نظر ویژگی های مذهبی، قومی، اقتصادی، فرهنگی تفاوت های زیادی باهم داشتند، توانستند به یک تعامل مذهبی برسند و ارتباط نزدیک تر آنان با مسلمانان پررنگ تر جلوه کند، با ایجاد مراکز آموزشی در کنار معابد و مساجد به آموزش قرآن و حدیث پرداخته می شد، این امر هم به رواج دین اسلام و هم زبان عربی کمک میکرد. (هیگ، ۱۳۸۵)

گاندی در بیانیه ای از خود این چنین گفت: (اگر بگوییم نفوذ مسلمانان در کلیه شئون زندگی هندی ها تعمیم یافت، سخنی به گزاف نگفته ایم؛ اما در هیچ جای دیگر آثار آن تا بدین پایه مسلم و قطعی به نظر نمی رسد که در آداب و رسوم، جزییات زندگی خانوادگی، موسیقی، فرم لباس ها، آشپزی، حتی مراسم ازدواج راجپوت و شاهزادگان سیک تأثیر عمیق اسلام به چشم می خورد. (سعیدی، ۱۳۲۶)

مهمترین افکار اندیشه گانندی در مورد اسلام

۱. تبلیغ برابری و آزادی بدون توجه به نژاد و طبقه اجتماعی
۲. ایجاد محوریت آزادانه عقاید و اصول اخلاقی
۳. ایجاد یک وحدت بین حکومت مرکزها و وحدت انسانیت
۴. همه جانبه و الهی بودن و رواج اندیشه های آزادیخواهانه
۵. کنترل تمامی نیروهای حسی برای ادراک حقیقت

نتیجه

دین در جامعه امروزی بیشتر در عرصه عمل و تجربه قابل فهم است، آدمی با عمل به آموزه های دینی و اخلاقی از سطح دین عبور کرده و به ژرفای آن دست میابد و حقیقت را رو در رو تجربه می کند. با گسترش دین اسلام هم از لحاظ جغرافیایی، فکری و فرهنگی اذهان متفکران و محققان بسیاری را در تمام نقاط جهان متوجه خود کرده است؛ و این متفکران یا توجه به قومیت خود کوشیدند با توجه به دین و معنویات آن، بی هویتی و از خود بیگانگی را از ملل خود با رهنمون هایشان دور کرده و شاهد یک شکوفایی علمی و تمدن جدید در عرصه فرهنگی و اجتماعی خود باشند. گانندی از دانشمندان و صوفیان هند توجه و تعلق خاصی به دین پیدا کرد و نقش آن را در زندگی مردم بسیار حائز اهمیت می دانست به گونه ایی که فقدان معنویت را عامل اصلی مشکلات مردم قلمداد کرد. او با مطالعه کتب مقدس ادیان دیگر از جمله قرآن چهره دین اسلام را برای مردم بیشتر آشکار نمود. گفتگوهایش با دین داران مسلمان به تجربه های جدیدی از دین اسلام او را رساند، گانندی از این نفوذ فرهنگ اسلامی برای برتری یافتن اندیشه اش نسبت به دین اسلام مدد گرفت و به حقیقت و درک الوهیت، وحدت مطلق خدا، یگانه پرستی، پایبندی به اصول اخلاقی، احیای زهد، ایمان و پارسایی، اصلاحگری معتقدات دینی و اجتماعی هندوان، مبارزه با خرافات و پیراستن دین هندو، استحکام زندگی فردی و اجتماعی رسید و همواره سعی نمود تا دین را در تمام عرصه های زندگی هندوان جای دهد.

منابع و مأخذ

۱. آرنولد، سرتوماس، تاریخ گسترش اسلام، ترجمه دکتر ابوالفضل عزتی، دانشگاه تهران،
۲. آریا، غلامعلی، روابط متقابل فرهنگ و تمدن ایران و هند و سهم اندیشه های عرفانی، دانشگاه تهران
۳. باقر شاهمی، علی نقی، نقش دین در اندیشه های هندی با تأکید بر دیدگاه ویویکانلندا، شماره دوم
۴. جان، هیک، ضرورت آموزه های گاندی برای جهان ما، مجله چشم انداز ارتباطات فرهنگی
۵. جواهر لعل نهرو، ایندیرا گاندی، شیوه های رهبری نخبگان شبه قاره هند، مجله مطالعات شبه قاره، شماره ۱، سال پنجم
۶. سرگل زایی، محمد، اندیشه های مهاتما گاندی، پژوهشنامه ادیان، شماره اول
۷. سعیدی، سید غلامرضا، شخصیت بزرگ گاندی، مجله آیین اسلام، شماره ۳۱
۸. سمیعی، محمد، تحول فرهنگی در هند
۹. فیوضات، ابراهیم، تسلیمی تهرانی، رضا، دادگر، علی، گاندی عدم خشونت و جنبش های اجتماعی
۱۰. مجله جامعه شناسی ایران، دوره دهم، شماره سوم
۱۱. کاشی، غلامرضا، برابری ادیان از دیدگاه گاندی، مجله اطلاعات حکمت و معرفت، شماره سی و سه
۱۲. کیا، خجسته، مهاتما گاندی در جستجوی حقیقت، نشر مرکز، چاپ اول
۱۳. محبی، خدایار، ادیان هند، مجله وحید، شماره ۱۸
۱۴. یاری، سیاوش نعمتی، نورالدین، گسترش نفوذ دین اسلام در شبه قاره هند از قرن اول تا پنجم
۱۵. پژوهش های تاریخی، دانشگاه اصفهان، شماره یک
۱۶. وحیدی منش، حمزه علی، عناصر تحول ساز دین اسلام، شماره ۹
۱۷. وحیدی دستگردی، محمد، مهاتما گاندی نابغه بزرگ عالم بشریت، مجله ارمغان، دو

17-Baron, Omar Rolf, The socio-religious role of Islam in the history of Indian in Islamic culture, Jan 1940 .

18-Billimoria N. M, The Arab in Sind in the journal of the Sind historical society, vo113, No3, Jan 1938.

19-Vivekanada, s. (1963). Complete Works of Swami Vivekananda. Vol. 20. Mayavati. Almora. New delhi: Birth Centenary Edition.